

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: آشنایی با زیست عقیفانه

درس دوم - قسمت دوم: عوامل موثر بیرونی عفت ورزی ۲ (تامین نیازهای مشروع فرزندان)

در مورد واژه تربیت باید توجه کنیم که تربیت توسط دیگران در مورد فرد ایجاد می‌شود. پدر مادر تربیت می‌کنند، نظام آموزش و پرورش ما را تربیت می‌کند، تربیت یک فرآیندی است که از بیرون برای انسان شکل می‌گیرد. در دوره‌ای از زندگی انسان است که او معمولاً برای خودش مسیر استقلالی را انتخاب نکرده است. تحت تاثیر پدر مادر است پس او تربیتش می‌کند، تحت تاثیر معلم و مدرسه است، او را تربیت می‌کنند. واژه دیگری هم ما در ادبیات دینی مان داریم و آن بحث تزکیه و تهذیب است. تزکیه و تهذیب به نوعی مکمل تربیت است. فرقی با تربیت چیست؟ تزکیه و تهذیب هم مثل تربیت در راستای شکوفا کردن استعدادهای انسان و در راستای تعالی بخشیدن به شخصیت انسان است. ولی فرقی با تربیت این است که تربیت از بیرون برای فرد شکل می‌گیرد و او را در بر می‌گیرد اما تزکیه و تهذیب اتفاقی است که به شکل ارادی از درون انسان شکل می‌گیرد. وقتی بچه بودم پدرم من را تربیت کرده مادر من را تربیت کرده معلم در مدرسه من را تربیت کرده ولی الان دیگر پدر و مادر یا معلم و استاد تاثیری روی من ندارند یا تاثیر بسیار اندکی روی من دارند. آیا رشد و تعالی من متوقف شده است؟ خیر متوقف نشده چون من حالا انسان هوشمند و دارای اراده و اختیاری هستم که می‌توانم خودم تصمیم بگیرم خودم را رشد بدهم. خودم تصمیم بگیرم روی رفتارهایم اثر بگذارم. خودم تصمیم بگیرم در میان راه و بیراهه راه را انتخاب کنم. این دیگر اسمش تربیت نیست اسمش تهذیب و تزکیه است و در واقع یک نوع فرآیند ارادی اختیاری درونی برای انسان است که راه درست را انتخاب کند. بنابراین اینکه بیان شد یک سری از عوامل،

عوامل درونی و بهتر است که از خانواده در دوران کودکی شکل بگیرد معنای این نیست که اگر پدر مادرم موفق نشدند من را به خوبی تربیت کنند حالا راه برای تربیت من راه برای انتخاب مسیر عقیقانه برای زندگی من بسته باشد. بلکه من به عنوان یک انسان متعهد به خودم و دوست‌دار تعالی و صلاح خودم می‌توانم خود را در مسیر این ورزش و ممارست و خود مراقبتی و خویش‌داری قرار بدهم و حالا خودم را تزکیه و تهذیب کنم.

یکی از عوامل بیرونی را که بیان کردیم مدیریت محرک‌های بیرونی بود. جلوی بچه جعبه شکلات نگذاریم و او را در واقع به لحاظ روانی و عاطفی شکنجه کنیم که تو حق نداری شکلات بخوری. بچه یا سرخورده و افسرده می‌شود یا یک خشم و انگیزه پنهان در او شکل می‌گیرد که به محض اینکه پدر مادر غفلت کنند بچه مثلاً حمله ور بشود و به جای یک شکلات ۱۰ تا شکلات بخورد. ما محیط را ناسالم نکرده باشیم ما خودمان را در معاشرت‌هایی که ما را به تجمل و چشم و هم چشمی وادار می‌کند شرکت نکنیم و بعد بخواهیم یک جور دیگری زندگی کنیم. معاشرت‌هایمان را مدیریت می‌کنیم. با کسانی معاشرت می‌کنیم که آن افراد هم با ما ارزش‌های مشترک دارند. وقتی محرک‌های در واقع غیر عقیقانه در جامعه زیاد بشود. صحنه‌های مثلاً فیلم‌های ناسالم حالا چه در رسانه جمعی، در شبکه نمایش خانگی یا تصاویر مستهجنی که ممکن است در معرض دید ما قرار بگیرد مواجهه با افرادی که تقوای در پوشش و ملاحظه و حد و مرز در رفتار ندارند داشته باشیم و بعد مثلاً در این جنگ روانی که برای خودمان ایجاد کردیم تلاش کنیم خودمان را حفظ کنیم. این هم کار غلطی است. بنابراین ما حتماً باید ضمن اینکه یک تربیت و تهذیب مستمر درونی برای خود و خانواده‌مان طراحی می‌کنیم حتماً باید محرک‌های بیرونی و محیطی را هم مدیریت کنیم محیط زندگی‌مان را محیط معاشرت‌ها را محیط کارمان را محیط پیرامونمان متناسب با ارزش‌های مورد نظرمان مدیریت کنیم. اما یک نکته دیگر این هست که ما متناسب و متناظر و به طور موازی با خویش‌داری و خود مراقبتی و در واقع توسعه مهارت‌های عفت‌ورزی، باید به شکل صحیح برای تامین درست نیازهای طبیعیمان مراقبت کنیم.

سرکوب مطلق میل‌های انسانی اساساً مورد تایید معارف دینی ما نیست. این نکته مهم است که من اگر به فرزندم می‌گویم فلان در واقع خوراکی را نخور بتوانم یک جایگزین مناسب برای او داشته باشم. خانواده‌هایی که فقط نکن را به بچه‌هایشان می‌گویند و هیچ زمینه‌ای برای تامین کشش‌های بچه‌هایشان فراهم نمی‌کند، خانواده‌هایی که به دخترهایشان می‌گویند که مثلاً با رعایت اخلاق متناسب با تربیت دخترانه در فلان محیط نباش در فلان محیط فلان رفتار از شما سرزند فلان تفریح با ارزش‌های دینی ما سازگار نیست ولی نتوانستند جایگزین مناسبی برای تفریح و تامین نیازهای روانی و عاطفی دخترشان پسرشان فرق نمی‌کند فراهم کنند، موفق نمی‌شوند. من حتماً به دخترم می‌گویم که فرض بفرمایید که دوچرخه سواری در کوچه و خیابان مناسب یک دختر عقیف از یک خانواده متدین نیست، اما اگر فرصتی برای مثلاً حضور در پارک‌ها یا مراکز مدیریت شده به لحاظ پوشش و وضعیت اخلاقی فراهم نکنم که او بتواند تفریح کند، بازی کند، ورزش کند، شوخی کند، با صدای بلند بخندد، با دوستان گفتگوی خوشایند داشته باشد، اگر نتوانم ما به ازای مناسبی برای این مطالب داشته باشم چقدر می‌شود این فنر را تحت فشار قرار داد؟ خداوند عالم وقتی که در روزه داری می‌گوید از اذان صبح تا اذان مغرب چیزی نخورید و نیشامید اما به شما از افطار تا سحر زمان کافی را برای خوردن و آشامیدن می‌دهد که هم نیازهای روانی شما را تامین کند هم نیازهای جسمی شما را تامین کند فراهم کرده است. شما می‌دانید اصلاً سحری خوردن و افطاری خوردن مستحب است، یعنی برای سحری خوردن به شما ثواب می‌دهند، برای افطار کردن به شما ثواب می‌دهند، چرا؟ چون وقتی شما به شکل صحیح نیازهایتان را تامین می‌کنید قدرت خویشتن‌داری در آن ساعت‌هایی که باید با آن میل طبیعی مبارزه و مقابله کنید را پیدا می‌کنید. من اگر به دخترم و به پسرم نکن و نباید می‌گویم باید ما به ازای آن فرصت‌ها را برای تامین نیازهای او فراهم کنم. به طور مشخص در زیست عقیفانه جنسی این مقدار که اسلام روی تشویق به ازدواج به موقع و روابط عمیق عاطفی، جسمی و روحی میان زن و شوهر تاکید می‌کند برای همین هست که اگر یک کسی بدون تامین درست و به جا و چهارچوب بندی شده، نیازهای طبیعی خودش را فقط سرکوب کند

فقط خویشتنداری‌اش را تقویت کند بالاخره یا منجر به آسیب‌های درونی می‌شود و یا ممکن است یک جاهایی اصلاً یک طغیان درونی در او اتفاق می‌افتد و قید همه این ارزش‌ها و باورها را بزند. واقعش این است که اگر ما نتوانیم ما به ازاهای درستی برای تامین نیازهای متنوع خودمان و فرزندانمان و افراد جامعه‌مان فراهم کنیم که آنها نیازها و کشش‌های طبیعتشان را ارضا کنند، صحبت از زیست عفیفانه یک امر ناقص و غیر واقعی و غیر عملی و دست نیافتنی خواهد بود. وقتی من به دختر جوانم به دختر نوجوانم تاکید می‌کنم که اظهار خود و نشان دادن خود و ابراز خود از طریق نمایش قابلیت‌های جنسیتش در حضور نامحرم نادرست است، حتماً باید اولاً زمینه‌هایی برای ابراز خود و خود شکوفایی و نشان دادن توانایی او از در مسیرهای درست فراهم کنم. او در مسیر ورزش، در مسیر هنر، در مسیر دانش، در مسیر فعالیت‌های اجتماعی درست، کمک کنم و هم همان نیازهای به تامین یا به اظهار تمایلات او را در یک ساحت‌های حلال مشروع فراهم کنند تا او در موقعیت‌های مناسب بتواند نیازهایش را تامین کند آن کشش‌های درونیش را ارضا کند.

مدیریت تمایلات یعنی ایجاد فرصت‌های مناسب و تامین از مسیر درست و تعیین حدود و مرزهایی در مسیر تامین نادرست. مدیریت به معنی سرکوب نیازها نیست، مدیریت به معنای نادیده گرفتن شش‌های طبیعی نیست. مدیریت یعنی شما بتوانید شرایطی فراهم کنید که هم به شکل منطقی نیازها تامین بشود هم تحت فشار محرک‌های مدیریت نشده قرار نگیرید و هم به شکل افسار گسیخته نیازها را در واقع رها نکنید و مرزها را درنوردید. بنابراین به نظر می‌رسد ما حتماً در برنامه‌ریزی‌هایمان چه برای شخص خودمان من کشش‌های خودم را بشناسم نیازهای خودم را بشناسم. برای نیاز، ما به ازای تامین درست شناسایی کنم. خودم را در معرض محرک‌های آزاردهنده‌ای که می‌تواند آن نفس پرکشش و فعال درونی من را به مسیر نادرست بکشد قرار ندهم و در عین حال خودم را خارج از این چهارچوب‌ها نبینم برای فرد خودم برای شخص خودم به عنوان مسیر همان تهذیب و تزکیه که به آن اشاره شد، به عنوان یک مادر به عنوان یک پدر به عنوان خانواده باید همین را برای فرزندان خودم در نظر داشته باشم. بچه‌ام از کودکی از کوچکی آماده

مواجهه با این شرایط کنم. این قدرت ورزیدگی را در او به مرور ایجاد کنم. در عین حال او را در معرض محرک‌های آزاردهنده و منحرف کننده قرار ندهم و محرک‌های بیرونی را سعی کنم مدیریت کنم. ضمن اینکه در کنارش حتماً راه‌هایی هم برای تامین مشروع و درست و چارچوب بندی شده نیازهای آنها پیش بینی کنم. چرا گاهی وقت‌ها در جامعه ما خیلی از دخترها به ویژه در خانواده‌های مذهبی فکر می‌کنند کاش من پسر بودم؟ چون احساس می‌کنند اگر پسر بودند نیازهای آنها بهتر تامین می‌شد. خانواده‌هایی که دختر دارند دختر نوجوان دارند دختر جوان دارند این موضوع را حتماً باید به آن توجه کنند. مورد تاکید است به خصوص در مورد تامین نیازهای طبیعی و جنسی فرزندانمان از طریق تشکیل به موقع خانواده خیلی مهم است. این آیه که خیلی زیاد شنیدیم وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى؛ این أَنْكِحُوا خطاب به خود جوان‌ها نیستند نمی‌گویند ازدواج کنید، مخاطب این آیه خانواده‌ها هستند. مخاطبین این آیه اطرافیان هستند بزرگترها هستند می‌گویند وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ؛ می‌گویند جوان‌هایتان را به ازدواج در بیاورید یعنی ما اگر دنبال این هستیم جامعه عفیفی داشته باشیم، حتماً ازدواج به هنگام نکته مهمی است. البته ادامه آیه بسیار در واقع قابل توجه است. آیه با أَنْكِحُوا یعنی مخاطب بزرگتر خانواده یا جامعه آغاز می‌شود و می‌گویند جوانانتان را به ازدواج درآورید اما در ادامه آیه می‌گویند حالا آن جوان‌هایی که احتمالاً امکان ازدواج برایشان فراهم نمی‌شود اینها باید تقوا پیشه کنند. معنی‌اش چیست؟ معنی‌اش این است که ضمن اینکه ما حتماً باید دنبال تامین مشروع نیازهایمان باشیم به این معنا نیست که اگر نیازها تامین نشد اجازه داشته باشیم یک نفس افسار گسیخته را رها کنیم و از هر راهی این نیاز تامین شود. معلوم می‌شود تقوا و خویشن‌داری درونی در کنار مدیریت شرایط بیرونی هر دو در کنار همدیگر باید معنا داشته باشد. پایان آیه خیلی شیرین است. بعضی‌ها می‌گویند اصلاً امکان ندارد. قرآن می‌گوید اگر این اتفاق افتاد یعنی جوان‌ها مجردها تقوا داشتند خانواده‌ها هم تلاش کردن زمینه ازدواج را فراهم کنند می‌گویند خداوند آنها را در واقع به آن غنا و تامین می‌رساند و به آنها کمک می‌کند و عنایت می‌کند. یعنی اگر چه فرد به عنوان فرد چه خانواده و جامعه به عنوان خانواده و جامعه وظیفه‌شان را عمل کردند خدا هم به این

تلاش برکت می‌دهد و آن زیست عقیقانه به معنی خاص حریم جنسی که اشاره کردیم حتماً تامین می‌شود. این قضیه را به همه عرصه‌های زیست عقیقانه می‌شود تعمیم داد. یعنی اگر من دچار تمایلات بی حد و مرز در عرصه‌های دیگرخودم هستم، باید تلاش کنم و فضای عمومی هم باید به سمت اصلاح پیش برود و البته خدا هم برای تحقق زیست عقیقانه جام الاطراف کمک خواهد کرد.

سناد امر به معروف و نهی از منکر